نگاه

درباره سخنان اخیر نماینده بابل

اویس رضوانیان*

محسن نریمان، نماینده بابل در مجلس شورای اسلامی در نطق میان‌دستوری به انتقاد از وضع موجود پرداخت و با ارایه پاره‌ای از آمارهای اقتصادی خواستار اصلاح روند مدیریتی موجود شد. نطق نریمان را می‌توان در نوع خود یکی از صریح‌ترین سخنانی دانست که در سال‌های اخیر بر زبان یکی از نمایندگان جاری شده و مجال آن را یافته تا از تریبون مجلس به گوش همگان برسد. نمایندگان اقلیت مجلس دوره نهم که گویی در سال‌های اخیر تعداد قلیل‌شان و فضای نامساعد مجلس امکان هرگونه موضع‌گیری تاثیرگذاری را از آنها گرفته بود، در ماه‌های پایانی مجلس تلاش می‌کنند تا دست‌کم نارضایتی خود را از وضع موجود ابراز داشته و حضور پررنگ‌تری به ترکیب کم‌جمعیت خود دهند. در این‌باره و به طور مشخص درباره سخنان اخیر نریمان باید سه نکته را مورد توجه قرار داد: نکته اول اینکه باید از یک سو تفاوت قایل شد میان سخنان نمایندگان اقلیت که در این سال‌ها به دلیل فضای خاص مجلس و نیز آماده نبودن فضای رسانه‌ای جامعه برای انتقال و پخش انتقادهای اینچنینی سکوت اختیار کرده بودند با سخنان و رفتارهای نمایندگان اکثریت از سوی دیگر که با نزدیک شدن به زمان انتخابات مواضع خود را نرم‌تر کرده و چرخش‌هایی را در کلام و رفتار خود نمایان کرده‌اند. به بیان دیگر اگر آقای مطهری در اعتراض به تعلیق طرح سوال از رییس‌جمهور استعفا می‌کند یا آقای توکلی در ماه‌های پایانی مجلس به دولت پیشنهاد استعفا می‌دهد و در سطحی دیگر حمید رسایی از ورود اصلاح‌طلبان معتدل با محوریت آقای هاشمی به انتخابات مجلس استقبال می‌کند، این تغییرات، جملگی این سوال ساده را در ذهن شهروندان برمی‌انگیزاند که این آقایان تا به حال کجا بوده‌اند و چگونه است که این‌همه تغییر در نگرش و رفتار ایشان در همین ماه‌های اخیر رخ داده است. ذهن بیدار جامعه فراموش نمی‌کند که حتی اگر نمایندگان اقلیت- با چند استثنا- در این سال‌ها سخن چندانی بر زبان نراندند، اما همرنگ جماعت هم نشدند و برخلاف خواست جامعه کلامی نگفتند و آن زمان که اکثریت مطلق در صحن مجلس فریاد زنده باد و مرده باد سر دادند، دست‌کم با سکوت خود نارضایتی‌شان را نشان دادند. این مشی خردمندانه نمایندگان اقلیت تفاوت بسیار دارند با مشی نمایندگانی که در تمام این سال‌ها خواست جامعه را نادیده گرفته بودند و حالا در ماه‌های پایانی به یاد سخنان متفاوت و رفتارهای اصلاح‌طلبانه افتاده‌اند. نکته دوم اینکه به راستی نریمان چه گفت که تا این حد مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟ واقعیت این است که سخنان وی حاوی هیچ اطلاعات سری و مکتومی نبود که بتوان او را بابت افشای آن مواخذه کرد. به دیگر کلام وی تنها با در کنار هم قراردادن پاره‌ای از واقعیت‌های آماری و نیز یادآوری برخی مفاد قانونی، تصویری کوچک اما واقعی را از فضای مدیریتی امروز جامعه به تصویر کشید و از ابزارهای قانونی برای پایان‌دادن به این روند سخن گفت. این همان تصویر واقعی‌ای است که نمایندگان اصولگرا از نمایش آن واهمه دارند و گمان می‌کنند با سخن نگفتن از آن و امروز و فردا کردن می‌توانند مشکلات را از سر راه بردارند. از این رو، سخنان نریمان را می‌توان به مثابه تلنگری به این نمایندگان دانست که دیگر چیزی برای مخفی‌کردن وجود ندارد. همه چیز عیان است و اگر می‌خواهید تلاشی کنید، بهتر است به جای آنکه تلاش خود را صرف پرده‌پوشی کنید، برای حل مشکل به کارش گیرید. نکته سوم اینکه نمایندگان اصلاح‌طلب همواره در معرض خطر بالقوه‌ای به نام ردصلاحیت در انتخابات آتی نمایندگی خود قرار دارند که البته با تصویب طرح نظارت بر نمایندگان مجلس چنین به نظر می‌آید این ترس و نگرانی به دوران نمایندگی هم کشیده خواهد شد. در مقابل، نمایندگان اصولگرا اگر مطلق نگوییم که چنین خطری را در پی خود نمی‌بینند، دست‌کم از حاشیه امنیتی بیشتری برخوردارند و کمتر پیش می‌آید که با این خطر به طور جدی مواجه شوند. در چنین شرایطی، میان کسی که با وجود مشکلات و مخاطرات فراوان، دست‌کم پاره‌ای از واقعیت‌ها را بر زبان می‌آورد و کس دیگری که بر ساحل سلامت نشسته است و هر زمان که دلش بخواهد فتیله کلامش را بالا و پایین می‌کشد، تفاوت بسیار است. سخنان نریمان را از این منظر باید نگریست و اهمیت و برتری آن را بر مواضع به مراتب تندتری که نمایندگان اصولگرا بسته به موقعیت و زمان می‌گیرند و از خود نشان می‌دهند، دریافت.

***دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل - دانشگاه ژنو**

نگاه سوم

«وفاق ملی» نیاز روز جامعه

دکتر علی مندنی‌پور*

شواهد و قرائن حکایت از این واقعیت دارد که «موج‌سواری» آمریکا و عربستان علیه امنیت ملی دست‌کم تا زمان نوشتن این یادداشت چنانکه عادت «معهود» سیاسیون ما بوده است، جدی گرفته نشده است. صاحب‌نظران بر این باورند که به کارگیری ماشین دیپلماسی کشورمان به صورت فعال و پویا در بی‌اثرکردن حرکت‌های شتابان و برنامه‌ریزی‌شده‌ای که امنیت و منافع ملی ایران را هدف قرار داده است، کارا و نتیجه‌بخش خواهد بود. البته تحقق این مهم منوط به این است که عنصر حیاتی «زمان» در این معادله نادیده گرفته نشود؛ فاکتور تعیین‌کننده‌ای که ظاهرا «مسوولان» ضرورت وجودی آن را به ویژه در آنچه که به تهدیدات امنیتی آمریکا و به تبع آن عربستان سعودی به‌عنوان هم‌پیمان اول این کشور در خاورمیانه و در ارتباط با دور جدید تحریم‌ها مربوط می‌شود، درک نکرده یا در خوشبینانه‌ترین حالت «دست‌کم» گرفته‌اند که امید می‌رود، متولیان و سکانداران سیاست خارجی کشور در یک چارچوب قانونمند و منطقی، به‌دور از حساسیت‌های معمول کاملا مسوولانه و با لحاظ کردن ظرافت‌های «خاص» «دنیای سیاست» به وظایف ملی - میهنی خویش جامه عمل بپوشانند. آنچه مرا به نوشتن این یادداشت کوتاه واداشت، همانا نیاز روز جامعه به «وفاق ملی» به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ مقوله‌ای که در شرایط «خاص» امروزی سخت به آن نیازمندیم و راه برون‌رفت اصولی از مسایل و مشکلات مبتلا به جامعه را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در گرو ایجاد آن در میان قشرهای مختلف ارزیابی کرده و به بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای آن می‌پردازیم. اگر شکاف میان ملت و دولت از حد متعارف خود خارج شده عملا به نوعی عدم احساس دلبستگی و عدم اعتماد میان مردم و حاکمیت بدل شود. بی‌شک وجود وفاق ملی گسترده و فراگیر، تنها نقطه مقابل بروز چنین وضعیتی است. وفاق ملی یا همان همدلی و یکپارچگی مردم برای دفاع از کیان ملی و هویت فرهنگی خویش و به عبارتی دیگر متحد بودن در کنار داشتن اختلاف سلیقه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهم‌ترین عامل تامین امنیت و توسعه پایدار و با اقتدار در یک جامعه است. از طرفی، وجود وفاق ملی که در بطن خود از اعتماد به نفس نفوس یک جامعه آغاز می‌شود و تا اعتماد به همنوع و بالاخره اعتماد به دولت و حاکمیت ادامه می‌یابد، می‌تواند از بروز هر گونه بهانه‌ای برای طمع ورزیدن بیگانگان جهت دخالت در امور کشور ممانعت به عمل آورد. وقتی جامعه متشکل از مردمی همدل و یکپارچه باشد در برابر تهدیدات داخلی و خارجی چندان بیمی به دل راه نمی‌دهد. بی‌شک در چنین شرایطی هیچ نیازی به مقابله به مثل زبانی برای پاسخ به تهدیدات خارجی و به‌تبع آن استفاده از ادبیات ستیزه‌جویانه و تهدیدگرانه وجود ندارد، چراکه وجود وفاق ملی قابل اعتماد به صورت فرآیندی خودکار وارد عرصه عمل شده و آنچه را که باید، به انجام می‌رساند. با این حال نکته‌ای که نه تنها در شرایط اخیر بلکه در تمامی اوقات باید به آن توجه بیشتری کرد این است که چه عواملی می‌توانند تامین‌کننده مهم‌ترین فاکتور امنیت پایدار در جامعه باشند؟ در پاسخ به این سوال می‌توان عوامل زیر را به اجمال برشمرد: **الف:** حاکمیت منتخب مردم و برخاسته از رای اکثریت باشد. **ب:** دولت خواسته‌های اکثریت مردم را به رسمیت بشناسد و در جهت عملی کردن هر چه سریع‌تر آنها گام بردارد و به نحوی که آثار تحقق این خواسته‌ها اگرچه نه در کوتاه‌مدت، لااقل در میان‌مدت برای افکار عمومی و مردم مشخص و آشکار باشد. منطق در گفت‌وگو، تکثر و در بعد اجتماعی خواستار رعایت حقوق و حصول آرمان متعالی همه ایرانیان است و در اقتصاد طالب حل مشکلات معیشتی برای مردم، رفاه، برخورداری و عدالت. بی‌شک تلاش برای تحقق این مطالبات و بروز نتایج مشخص ناشی از حصول آنها در جامعه می‌تواند به هر چه پایدار شدن وفاق ملی و تقویت آن منجر شود. **ج:** برخورد دولت با مردم به صورت شفاف و صادقانه، مطمئنا از مهم‌ترین لوازمی است که سبب افزایش اعتماد ملت به دولت و به تبع آن تقویت وفاق ملی می‌شود، روراست بودن ارباب قدرت و سیاست و منتخبین مردم با موکلان خود، دوری‌گزیدن از روند غیرمردم‌سالار سیاست‌های پشت پرده، مردم را محرم راز خویش دانستن، آنها را دست‌کم نگرفتن، افکار عمومی را در جایگاه مشورت و داوری بر عملکردهای خود نشاندن و با مردم از عملکردهای خود بدون پنهانکاری سخن‌گفتن از جمله مواردی است که به تحقق چنین شرایطی می‌انجامد. نباید از یاد برد که برای حصول چنین اموری تقویت سازوکارهای جامعه مدنی از جمله مطبوعات مستقل، احزاب سیاسی غیردولتی و نهادهای مدنی یک ضرورت انکارناپذیر به شمار می‌رود. **د:** دولت نقدپذیر و پاسخگو باشد. در این زمینه، مهم‌ترین مساله تضمین آزادی منتقدان و مخالفان قانونی است. وجود منتقدان و مخالفان قانونی و تحمل آنها برای شرکت در فرآیندی مردم‌سالار مبتنی بر رعایت قواعد بازی در جامعه به مثابه شیر اطمینانی عمل می‌کند که به واسطه انتقال مخالفت‌های داخلی با سیاست‌ها از انباشت اعتراضات و نارضایتی‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد. نارضایتی‌هایی که در غیراین صورت می‌تواند در درازمدت منجر به افزایش شکاف میان ملت و دولت و تخدیش وفاق ملی شود. **ه:** عدم سوءاستفاده جناحی از موضع‌گیری‌های تهدیدآمیز خارجی نیز عاملی است که می‌تواند به تقویت وفاق ملی در جامعه کمک کند.آنچه نباید به فراموشی سپرده شود، تجربه تاریخی این کشور است. مردم ایران ثابت کرده‌اند هر جا که لازم بوده در جهت تامین منافع ملی و مصالح عمومی و ممانعت از تضییع آنها از خود حضوری فعال، یکپارچه و تمام‌کننده بروز داده‌اند؛ مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی و... همگی نمونه‌های تاریخی از چنین حضوری هستند و عملا نشان‌دهنده و موید این واقعیت‌اند که مردم این مرز و بوم در راه حفظ کیان ملی و پاسداشت هویت فرهنگی خویش همه هزینه‌ها را تقبل می‌کنند. با این حال آنچه باید به دقت مدنظر قرار بگیرد آن است که تقویت این روند و پایدار کردن آن تنها از یک طریق ممکن است و آن هم شریک کردن مردم در برداشت فایده ناشی از چنین فعالیت‌هایی از سوی دولت است. یکی از اندیشمندان بویراحمدی داستانی تعریف می‌کرد به این منوال که قبلا فامیلی به نام «نصرالله» داشته که شعارش این بوده است: «هنگام کار صد نصرالله، هنگام خرمن یک نصرالله»، به عبارتی دیگر هنگام پرداخت هزینه، همه با هم و هنگام برداشت فایده، من تنها! برای تامین وفاق ملی پایدار و قابل اعتماد باید شعار همه جناح‌های سیاسی کشور این باشد که «هنگام کار صد نصرالله، هنگام خرمن هم صد نصرالله»، یعنی هنگام پرداخت هزینه، همه با هم و هنگام حصول فایده نیز همه با هم. در چنین شرایطی نه تنها وفاق ملی تثبیت‌شده‌ای در جامعه شکل می‌گیرد، بلکه خطراتی که ممکن است برای امنیت ملی و مصالح عمومی به وجود آید نیز به حداقل ممکن می‌رسد.

***رییس کانون وکلای دادگستری فارس**

عماد افروغ: در نظام پارلمانی، شاهد بی‌خاصیت کردن مجلس نخواهیم بود

خبرآنلاین: عماد افروغ می‌گوید: اگرچه مجلس باید در رأس امور باشد، اما دولت با اقدامات مداخله‌جویانه خود در تعیین ترکیب نمایندگان مجلس، مانع از در رأس امور بودن آن می‌شود. به گفته وی، اگر شاهد «پارلمان دولتی» باشیم و دولت، ترکیب «پارلمان» را تعیین کرده و کاری کند که مجلس در رأس امور نباشد، همان بهتر که به سوی نظام پارلمانی برویم. عماد افروغ، در پاسخ به سوالی که به سخنان مقام معظم رهبری دال بر تغییر ساختار نظام به سمت پارلمانی شدن اشاره داشت، گفت: من تاملی دارم که ایشان حسب چه ضرورت و مساله‌ای این موضوع را مطرح کرده‌اند؟ آیا آسیب‌هایی را مشاهد کرده‌اند؟ باید منتظر باشیم و ببینیم که دغدغه ایشان چه بوده است. البته درباره بخشی از سخنان ایشان باید بگویم که ما فاقد نظام‌های حزبی هستیم و به دلیل تمرکزگرایی در کشور، نظام و اقتصاد مبتنی بر نفت و فقدان فرهنگ حزبی در میان فعالان سیاسی که متاثر از رابطه قدرت و ثروت است، مردم وقتی انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری را برگزار می‌کنند روند امور به تفکیک قوا نزدیک‌تر می‌شود چرا که مردم به «حزب»ی رای نداده‌اند که این «حزب» دولت را تعیین کند. به گفته او، وقتی دو انتخابات مجزا برای دولت و مجلس برگزار می‌شود، مشروط به توجه به قانون اساسی و اصل تفکیک قوا، می‌توان امیدوار بود که مجلس بر دولت، نظارت کند اما اگر شاهد «پارلمان دولتی» باشیم و دولت، ترکیب «پارلمان» را تعیین کرده و کاری کند که مجلس در رأس امور نباشد همان بهتر که به سوی نظام پارلمانی برویم. افروغ یادآور شد: یکی از مسایلی که همواره تذکر داده‌ام، همین تاثیرهای سوءدولت بر مجلس بوده که ممکن است تا مرز بستن مجلس هم پیش رود. کما اینکه هیات‌هایی از سوی دولت یا علی‌الظاهر با همکاری دولت و مجلس، تشکیل می‌شوند و برای انتخابات بعدی در مجلس و چینش نیروها در آن، تصمیم‌گیری می‌کنند! چینش این‌گونه ترکیب مجلس از سوی گروه‌های نزدیک به دولت یا حتی تشکیل کمیته‌ای منتسب به رییس دولت، شترسواری دولادولا است! در چنین شرایطی که دولت بخواهد مجلس تعیین کند، بهتر است به سوی پارلمانی شدن پیش برویم. نماینده سابق تهران خاطرنشان کرد: اگرچه در نظام‌های پارلمانی، امکان نظارت پارلمان بر دولت کم می‌شود، اما چشم امید به حضور اقلیتی در مجلس است که در مقابل این «همنوایی‌ها» بایستد. افروغ اظهار کرد: سوال جدی همین است که چرا مقام معظم رهبری نظام کنونی را مقبول ندانسته‌اند و برای همین است که باید منتظر مواضع بعدی ایشان باشیم. البته در حال حاضر برخی پیشنهاد کرده‌اند که برای مواجهه انتقادی راحت‌تر با دولت، بهتر است که پست «نخست‌وزیری» احیا شود و رییس‌جمهور، «نخست‌وزیر» را انتخاب کند تا او پاسخگوی مجلس باشد و مجلس هم بی‌محاباتر بتواند با او برخورد کند.

توضیح درباره طرح سوال از رییس‌جمهوری

باهنر: توصیه شد این مساله را دنبال نکنید

ایسنا: دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به فساد مالی اخیر گفت: در این مورد به موقع عمل شد. قوه‌قضاییه به موقع دنبال جرم‌هایی که اتفاق افتاده و مجرمانی که در این قضیه دست‌اندرکار بوده‌اند، رفت و مجلس شورای اسلامی هم همزمان وارد بحث صلاحیت‌ها و کفایت‌های مدیران شد که این دو از هم متفاوت هستند. وی که در همایشی در مشهد سخن می‌گفت، افزود: البته ما از همان اول معتقد بودیم مدیرانی که این مساله در زیرمجموعه‌شان اتفاق افتاده است، حتی اگر مقصر هم نباشند، حداقل باید به افکار عمومی احترام بگذارند و همین که کفایت مدیریت کار را نداشتند، باید استعفا دهند که یک مقدار هم این مساله طول کشید و بعضی‌ها استعفا دادند و عده‌ای هم عزل شدند. من همین جا به شما خبر بدهم که ان‌شاءالله تا آخر هفته آینده گزارش نهایی‌مان را درخصوص علت‌ها، معلول‌ها و مقصرها و قاصرین به صحن علنی مجلس ارایه خواهیم داد. وی در پاسخ به سوالی درباره استعفای علی مطهری نیز گفت: وضعیت استعفای ایشان منوط به بررسی و مطرح شدن طرح سوال از رییس‌جمهور است که در هفته آینده مشخص خواهد شد. وی در ادامه با اشاره به طرح استیضاح وزیر اقتصاد و با بیان اینکه «این طرح را باید روز یکشنبه جاری اعلام وصول کنیم»، گفت: عزل و برکناری برخی از مدیران بانکی و بعضی از مسوولان سطح بالای بانک مرکزی هم در پیشنهادات مجلس هست که باید پیگیری شود، از آن طرف هم قوه‌قضاییه به صورت جدی پیگیر مجرمان است. وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «چرا هیات‌رییسه مجلس تا به حال سوال از رییس‌جمهور را اعلام وصول نکرده است»، گفت: سوالی که از احمدی‌نژاد شده طبق اصل ۸۸ قانون اساسی است. این اصل می‌گوید هرگاه نمایندگان از وزیری در رابطه با یکی از وظایفش سوال داشته باشند، یا یک‌چهارم از کل نمایندگان از رییس‌جمهور سوال داشته باشند، این سوال‌شان را طبق یک مکانیزم تحویل هیات‌رییسه می‌دهند و وزیر ظرف یک روز و رییس‌جمهور ظرف یک ماه موظف است در مجلس حضور پیدا کند و به سوال پاسخ دهد. وی ادامه داد: از حدود دو سال قبل که آقای مطهری این سوال را مطرح کرد، دوستان دنبال این بودند که سوال از رییس‌جمهور را مطرح کنند. مدت‌ها حد نصاب ۷۳ امضای این سوال به حد مطلوب نمی‌رسید تا زمانی که داستان جریان وزارت اطلاعات پیش آمد. بعد از این جریان، یک عده دیگر از همکاران ما هم امضا کردند و حد نصاب به بیش از صد امضا رسید. تا روزی که دوستان این طرح را تحویل هیات‌رییسه دادند، داستان تمام شد و توصیه‌ای هم که به ما شد، این بود که سعی کنید این مساله را دنبال نکنید و کارتان را با هم انجام دهید. البته این اتفاق یکسری آثار وضعی داشت، اما اینکه موضوع را کش بدهیم، تبدیل به یک دعوای جدی بین قوه‌مجریه و مقننه و گروکشی و... شود را بزرگان نظام مصلحت نمی‌دانستند و ما هم فکر می‌کردیم و همچنان فکر می‌کنیم که باید تلاش کرد تا کار این دولت به صورت طبیعی و عادی تمام بشود و یک کار پرهزینه غیرمعمول انجام نشود. باهنر افزود: سوال که مطرح شد، ما خواستیم آن را اعلام وصول کنیم، اولا گفتیم که این در راستای مصلحت نظام نیست و دوباره یک کشمکش جدی را به وجود می‌آورد و نکته دوم هم اینکه یک تعدادی از سوال‌کننده‌ها آمدند و این موضوع را مطرح کردند که ما این سوال را در شرایط زمانی امضا کردیم و الان که جمع شده ما خیلی علاقه‌ای به ادامه سوال نداریم. وی خاطرنشان کرد: ما تا زمانی که اعلام وصول نکرده‌ایم، اسامی مخفی است و قابل انتشار نیست، اما وقتی سوال را رسما اعلام وصول کنیم، اسامی به رسانه‌ها می‌رود و همه مطلع می‌شوند. آن وقت است که یکسری فعالیت‌ها از طرف دولت و بزرگان کشور و... شروع می‌شود تا از نماینده خواهش کنند که بیا و امضایت را پس بگیر و خط بزن و فشارها هم زیاد می‌شود که اینها داستان‌هایی است که ما همیشه درگیرش هستیم. بنابراین ما گفتیم که به صلاح نیست این سوال مطرح شود، اگر هم می‌خواهید مطرح شود، طوری نباشد که اگر اعلام وصول شد، ۲۰ روز بعد بگویند کم و زیاد شد. محکم بایستند و بگویند ما می‌خواهیم سوال مطرح شود و ما هم طبق قانون اساسی موظفیم که اعلام کنیم. وی گفت: اگر تا هفته آینده حد نصاب سوال حفظ شود، حتما اعلام وصول خواهیم کرد که ۱۵، ۱۶ نفر از نمایندگان امضای خود را پس گرفته‌اند. البته باز هم تاکید می‌کنم که خود من سوال از رییس‌جمهور را مصلحت نمی‌دانم، اما اگر حد نصاب بماند ما موظفیم که اعلام وصول کنیم. این را هم بگویم که ما هیچ تلاشی نکرده و با احدی صحبت نکردیم که بیا و سوالت را پس بگیر. اگر به طور طبیعی عدد بماند، ما هفته آینده اعلام وصول خواهیم کرد. وی در پاسخ به سوال دانشجویی که معتقد به سکوت باهنر در برابر جریان‌های پس از انتخابات بود، گفت: رییس همه اینها، یعنی مهندس موسوی در سال ۷۰ از مقام معظم رهبری حکم گرفت که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد. صلاحیت همین مهندس موسوی که بعد این اتفاقات را پیش آورد، توسط شورای نگهبان قانون اساسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری تایید شد. ما مقتضیات زمان و مکان را هیچ موقع نباید فراموش کنیم. وی در ادامه به بیان خاطره‌ای پرداخت و گفت: اول انقلاب بود و امام(ره) فردی به نام قطب‌زاده را گذاشتند رییس صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران. ما در کرمان با منافقین کلی همدیگر را می‌زدیم که آنها به قطب‌زاده فحش می‌دادند و ما دفاع می‌کردیم. بعد از سه، چهار سال قطب‌زاده در جریان کودتای نوژه و کودتایی که می‌خواستند علیه امام(ره) کنند، دستگیر و محکوم به اعدام شد. منافقین آمدند و به ما گفتند دیدید، ما می‌گفتیم که قطب‌زاده مشکل دارد و شما دفاع می‌کردید. من آن موقع گفتم و الان هم می‌گویم، مواضع ما بر اساس زمان ممکن است تغییر کند. من هنوز از دفاعی که اول انقلاب در مقابل منافقین از قطب‌زاده می‌کردم، افتخار می‌کنم و هیچ موقع نمی‌گویم اشتباه کردم. امام(ره) به قطب‌زاده حکم داده بودند و منافقین هو می‌کردند و ما دفاع می‌کردیم. مرحوم مهندس بازرگان هم که خدا از سر تقصیراتش بگذرد و رحمتش کند، نخست‌وزیر منصوب امام(ره) بود و همه از او دفاع می‌کردیم، رهبر انقلاب دفاع می‌کردند، آقای هاشمی هم دفاع می‌کردند، بنده هم همین‌طور. ببینید مقتضای زمان و مکان‌مان چیست.

دیپلماسی

رویترز ادعا کرد

ایران مواد هسته‌ای را به «فردو» منتقل می‌کند

■ **ایسنا:** خبرگزاری رویترز به نقل از منابع دیپلماتیک ادعا کرد: ایران قصد دارد به زودی انتقال مواد هسته‌ای به تاسیسات زیرزمینی «فردو» را برای دنبال کردن فعالیت‌های حساس هسته‌ای این کشور آغاز کند. رویترز به نقل از منابع دیپلماتیک ادامه داد: اولین محموله هگزافلوراید اورانیوم به منظور آماده‌سازی برای آغاز غنی‌سازی در فردو به این سایت منتقل خواهد شد. یک منبع دیپلماتیک گفت که به این ترتیب «آنها برای اولین بار در فردو مواد هسته‌ای خواهند داشت.»منابع یادشده مدعی شدند: انتقال اولین سیلندر هگزافلوراید اورانیوم به یک سایت همواره به عنوان بخشی از فعالیت نهایی آماده‌سازی پیش از آغاز تولید درنظر گرفته می‌شود.

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **انتقاد از سازمان سنجش:** سازمان سنجش اعلام کرده که برای تکمیل ظرفیت آزمون دکتری مجددا در دی ماه آزمون برگزار می‌کند و پذیرفته‌شدگان از ترم بهمن در کلاس حاضر می‌شوند. این روش و زمان‌بندی دو ایراد اساسی دارد. اول اینکه چرا تکمیل ظرفیت دکتری با همان سازوکار کنکور کارشناسی و کارشناسی ارشد انجام نمی‌شود و دوم آنکه سازمان سنجش اسامی پذیرفته‌شدگان آزمون دکتری سال ۹۰ که فروردین‌ماه برگزار شده بود را شهریور اعلام کرد. حال چگونه می‌تواند ظرف یک ماه پروژه شش‌ماهه را پیش ببرد.

یک مخاطب

■ **از کارت ایثار خبری نیست:** حدود ۱۰ ماه پیش ما از طریق اداره ثبت و اداره پست برای کارت ایثار ثبت نام کردیم. الان مدت ۱۰ ماه است که از صدور کارت ایثار خبری نیست. آیا واقعا برای صدور یک کارت ایثار، ۱۰ ماه خیلی زود است؟

مسعود باختر از آستانه اشرفیه

■ **لایروبی:** مقابل مدرسه دخترانه امیراسلامی، واقع در میدان شهید محلاتی، خیابان تکیه اکبرآبادی شمالی، کوچه صادقی، به دلیل لایروبی نشدن جوی آب، پسماندها به معبر سرازیر شده و باعث مشکلات فراوانی برای دانش‌آموزان و ساکنان می‌شود. از شهرداری منطقه ۱۴ تقاضای رسیدگی داریم.

آیسان شعبانی از تهران

■ **کمبود قطار مترو:** صبح‌ها خط ۴ مترو با ازدحام بیشتری مواجه است. از مسوولان شرکت بهره‌برداری مترو تقاضا داریم برای رفع مشکل کمبود قطار در این خط چاره‌ای بیندیشند.

امید شهریاری از تهران

بازتاب
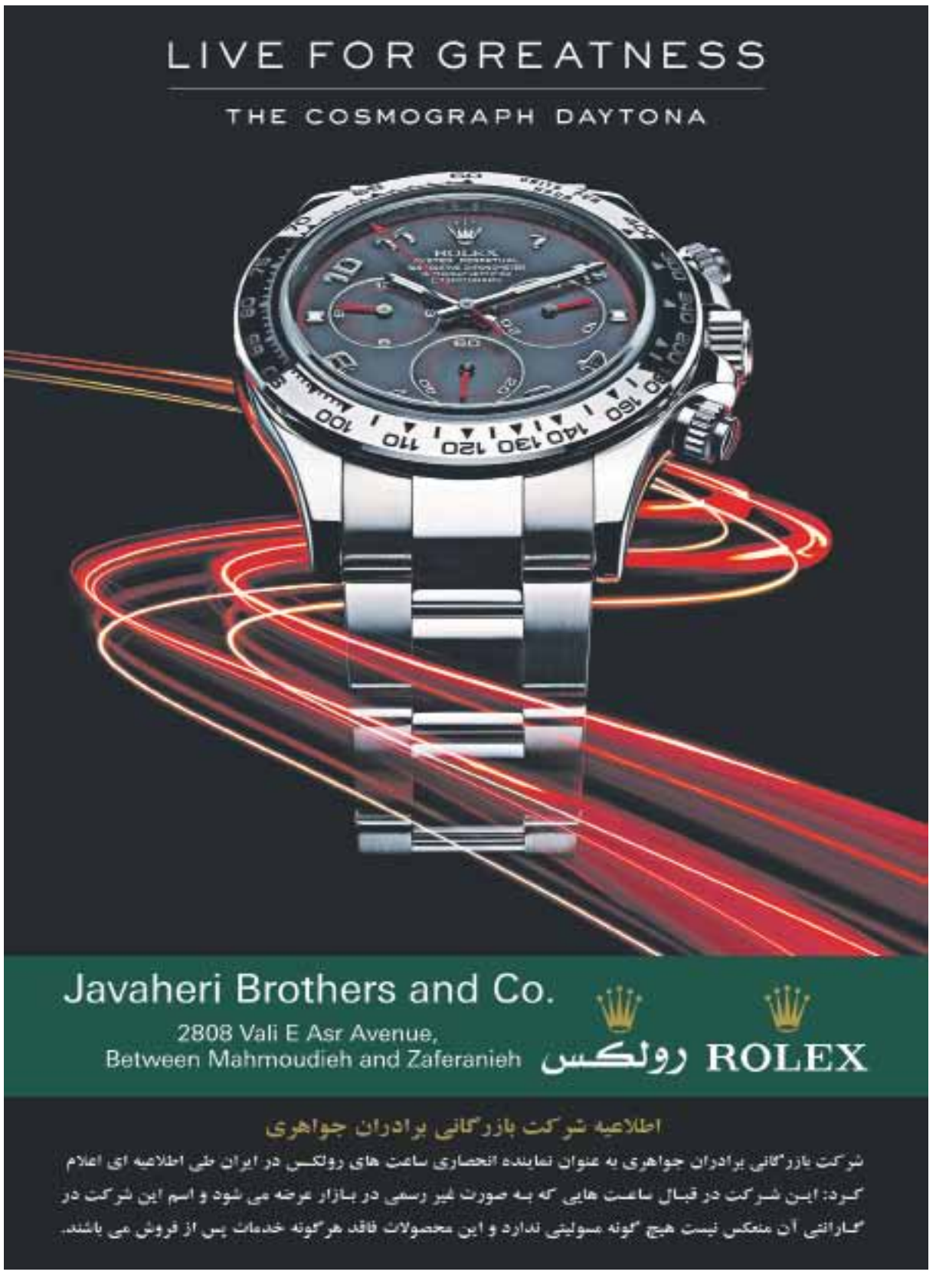
■ **پاسخ روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی به یک پیام:** پیرو درج مطلبی با عنوان «تابلوهای اشتباه و سرگردانی رانندگان» در صفحه ۳ روزنامه مورخ ۹۰/۷/۵، خواهشمند است دستور فرمایید پاسخ این سازمان جهت تنویر افکارعمومی در همان ستون روزنامه درج شود. (براساس مفاد آیین‌نامه ایمنی راه‌ها برای معرفی مقاصد منشعب از بزرگراه‌ها، علامت‌های پیش آگاهی جهت‌نما در فواصل مناسب و با نقوش مربوطه تبیین شده و تهیه و نصب آنها در دستور کار ادارات کل راه و ترابری استان‌های سراسر کشور قرار دارد و به صورت مستمر نسبت به تخصیص اعتبارات لازم در این خصوص و اجرای این پروژه‌ها در استان‌ها اقدام لازم صورت می‌گیرد. لذا در صورت اعلام دقیق محور و خروجی مورد اشاره به اداره کل راه و ترابری استان مربوطه، مراتب جهت بررسی و رفع مشکلات احتمالی مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.)